

سیدقاسم یاحسینی از فرهنگیان اهل قلم استان بوشهر است. وی سال‌ها در آموزش و پرورش خدمت کرده و در سمت‌های متفاوت معلمی، دبیری، مدیریت مدارس و مراکز تربیت معلم مشغول فعالیت بوده است. یاحسینی در موضوع و مسائل اجتماعی به خصوص در استان بوشهر دارای نگرش ویژه‌ای است و مسائل اجتماعی، جغرافیایی و تاریخی این استان را به خوبی تحلیل می‌کند. یاحسینی از نویسندگانی است که نسبت به دفاع مقدس نیز بسیار حساس و متعهد است و تاکنون هفت بار کتاب‌های او به عنوان کتاب سال دفاع مقدس انتخاب شده‌اند. هم‌اکنون او در حال آماده‌سازی «دانش‌نامه بوشهر» به سفارش استانداری است. این دانش‌نامه در ۱۲۰ جلد منتشر خواهد شد که ۳۰ جلد آن آماده شده است. این آماده‌سازی به وسیله گروهی از محققانی و زیر نظر یاحسینی، انجام می‌گیرد که پنج سال طول خواهد کشید. او دو فرزند دارد که هر دو از دانشجویان موفق هستند. همسر ایشان نیز نویسنده است و تاکنون هفت جلد کتاب منتشر کرده است. ایشان در آموزش و پرورش خدمت می‌کند.

گفت‌وگو

آموزش و پرورش



اجتماعی

گفت‌وگو با

سیدقاسم یاحسینی،

پژوهشگر

استان بوشهر

گفت‌وگو: محمود اردوخوانی

● لطفاً از سوابق علمی و اجرایی خودتان را برای ما صحبت کنید؟

○ متولد ۱۳۴۴ هستم و دیپلمه. من به این نتیجه رسیدم که در ایران دانشگاه جان ندارد. بنابراین به همان دیپلم اکتفا کردم و شخصاً از سال ۱۳۶۴ به کارهای پژوهشی و علمی روی آوردم. نزدیک به ۱۲۰ جلد کتاب تألیف و چاپ کرده‌ام که ۴۵ جلد آن‌ها مربوط به بوشهر و همین تعداد مربوط به جنگ تحمیلی است. بقیه هم به جریان‌های تاریخی و روشنفکری می‌پردازند. آثارم تاکنون هفت‌بار در جشنواره کتاب سال دفاع مقدس انتخاب شده‌اند. با دایره‌المعارف‌های ایرانی و خارجی همکاری داشته و دارم. مهم‌ترین کاری که در چند سال اخیر دغدغه من شده، دانش‌نامه استان بوشهر است که امیدوارم با همکاری مسئولان محلی در ۱۱۰ جلد و ظرف پنج سال منتشر شود. سال گذشته اولین سالش بود و امسال حدود ۳۰ جلد آن انتشار می‌یابد. اگر مسئولان تسریع کنند، بقیه آن هم ظرف سه سال آینده آماده خواهد شد.

● دوست داریم مسئولیت‌های اجتماعی شما را بدانیم.

○ مدتی مسئول روابط عمومی استانداری بوشهر و حدود ۱۰ سال سرپرست روزنامه کیهان (در استان) بودم. بعد معاون «انجمن سینمایی جوان» استان شدم و چند سالی هم مسئول خبرگزاری و کتابخانه صدا و سیما بودم که ای کاش نبودم و آن سال‌ها را هم خرج کارهای پژوهشی می‌کردم تا مثل الان مال‌باخته و مغموم نباشم.

● در مورد ارتباط محیط زیست اجتماعی و محیط زیست طبیعی بوشهر نظرتان را بفرمایید؟

○ این دو دیالکتیک خیلی فشرده‌ای دارند، به طوری که محیط زیست و محیط اجتماعی را شکل‌بندی و قالب‌بندی می‌کند. چند چیز در بوشهر حرف اول را می‌زنند و تأثیر بسیار مستقیمی بر محیط اجتماعی بوشهر دارند. مهم‌ترین آن‌ها گرما و اتمسفر بسیار هاله‌ای این منطقه است که بچه‌های بوشهر را آدم‌های سست و کم‌انگیزه‌ای کرده است. این خلدون می‌گوید: مناطق بندری و مرطوب انگیزه اجتماعی لازم را ندارند. من وقتی از نگاه بیولوژیک بررسی می‌کنم، می‌بینم که همین جور است. آمار هم نشان می‌دهد بومی‌های بوشهر آدم‌های موفق نبوده‌اند. من خودم بوشهری هستم و خانواده‌ام و خاندانم هم بوشهری‌اند. بنابراین اگر این حرف را می‌زنم، با کمال درد می‌زنم. بازار بوشهر را غیربوشهری‌ها اشغال کرده‌اند مدیریت‌های کلان استان، غیربوشهری و غیربومی هستند. استاندار فعلی ما غیربومی است و بسیاری دیگر از مدیران دبلیش گرماس است که حوصله و حال اندیشیدن را از مردم بوشهر گرفته است. البته ما دانشمندان، مشاهیر و متفکران بسیار زیادی داریم که برخی از آن‌ها در سطح جهانی مطرح هستند. به عنوان نمونه عرض می‌کنم، ما ابوسعیدسیرافی را داریم که بزرگ‌ترین نحوی جهان بعد از سیبویه است. ایشان شرحی بر «الکتاب» سیبویه نوشته است که امروزه یکی از منابع معتبر در دانشگاه‌هایی مثل الازهر در مصر است. یک چهره شیعی داریم به نام ابن نوح سیرافی که ایشان



نخستین کتاب در مورد امام زمان (عج) و نواب اربعه را نوشته است و جالب این که نجاشی و شیخ طوسی شاگردان وی بوده‌اند.

● **نظر تان در مورد آموزش و پرورش و مدرسه به عنوان یک محیط زیست طبیعی و اجتماعی چیست و چه ویژگی‌هایی برایش قائل هستید؟**

○ پدر من آموزش و پرورش است و همسر من هم همین‌طور. بنابراین می‌توانم بگویم زاینده آموزش و پرورش هستیم و آموزش و پرورش هستم. به یک معنا باید بگویم آموزش و پرورش در ایران حیات چندانی ندارد، زیرا نمی‌تواند آرمان‌های اسلام و انقلاب را به جوانان انتقال دهد. هنوز نتوانسته است آرمان‌ها را درونی کند.

● **نقش شما اندیشمندان و پژوهشگران در این جامعه چیست؟**

○ ما به تعبیری زیبا خرمگس معر که هستیم. نباید بگذاریم این گونه مشکلات ایجاد شود و جامعه به خواب خرگوشی برود. دکتر شریعتی می‌گوید روشنفکر آگاه کسی است که منتقد دائم اجتماعی است. اما متأسفانه این روشنفکران در کشور نمی‌مانند تا مشکلات را برطرف کنند. شما ببینید، دارایی ایرانی‌ها در آمریکا ۴۰۰ میلیارد دلار است که می‌تواند اقتصاد این مملکت را نجات دهد. شما ببینید چند درصد از کارکنان سازمان ناسا ایرانی هستند. چند ایرانی در شرکت زیمنس یا در دانشگاه‌های معتبر غربی مشغول کارند. ما باید این ایرانی‌ها را جذب کنیم و به کشور برگردانیم.

● **به نظر شما، چه راهکارهای کاربردی برای حل مشکلات در بوشهر وجود دارد؟**

○ یکی از راهکارها اصلاح دانشگاه است. وقتی فهرست ۲۰۰ دانشگاه پیش‌تاز دنیا را اعلام می‌کنند، ما در آن هیچ جایگاهی نداریم. ریاض پایتخت عربستان که زنان حق ندارند آنجا رانندگی کنند، دانشگاهش جزو این ۲۰۰ دانشگاه است. البته ممکن است که سوء نیت و مخالفت غربی‌ها با ما موجب شده باشد که دانشگاه‌های ما در این فهرست قرار نگیرد، اما اشکال از خود ما هم هست. متأسفانه برخی از استادان امروز دانشگاه‌های ما استاد نیستند، کارمند فرهنگی‌اند. من آقایان فروزان‌فر، زرین‌کوب، شفیعی کدکنی، زریاب خوبی و مانند آن‌ها را استاد می‌دانم. استادی که دارد برای پروپوزال (طرح تحقیق) ۴ یا ۵ میلیون می‌گیرد، استاد نیست. من در غرب مصاحبه‌ای داشتم با پرفسور شیخ الاسلام که در دوره دکترای دانشگاه آکسفورد تدریس می‌کرد. می‌گفت هفته‌ای چهار ساعت تدریس دارم و هفت دانشجو هم بیشتر ندارم، اما ۲۴ ساعته در اختیار این دانشجوها هستم. هر دانشجو در هر ترم سه ماهه باید هفت‌هزار صفحه مطلب بخواند؛ یعنی به‌طور متوسط روزی ۸۰ صفحه. کدام یک از فرهیختگان ما چنین مطالعه می‌کند؟ این همه مقام رهبری روی کتاب‌خوانی تأکید دارند. ما ساعت‌ها می‌نشینیم و تبلیغات تلویزیونی می‌بینیم، اما حاضر نیستیم رمان، کتاب تاریخی، کتاب فلسفه و جامعه‌شناسی یا کتاب‌های مذهبی بخوانیم.

● **آیا شما توانسته‌اید روی مردم بوشهر اثر بگذارید تا حداقل کمی بیشتر اهل مطالعه شوند؟**

○ ببینید، رییس‌علی دلواری قهرمان ملی این شهر است. تا قبل از من حتی یک مونوگرافی علمی برای رییس‌علی دلواری نوشته نشده بود. تنها رمان «دلوار تنگستان» بود که فیلم خوبی هم قبل از انقلاب از آن ساخته شد. من نخستین کتاب علمی و آکادمیک را براساس منابع داخلی و خارجی درباره رییس‌علی دلواری نوشته‌ام، اکنون و در میان روحانیت، بوشهریان به آیت‌الله بلادی افتخار می‌کنند. تنها مونوگرافی را که در مورد این بزرگوار وجود دارد، من نوشته‌ام. ما افتخار می‌کنیم که بوشهر ۱۰۰ سال تاریخ مطبوعات دارد و تنها تاریخ مطبوعات آن را هم من نوشته‌ام. افتخار می‌کنیم که بوشهر قهرمانان بزرگی چون میرمحنا، خالو حسین، غضنفرخان السلطنه و رییس‌علی دلواری دارد و من برای همه این‌ها یک تک‌نگاری نوشته‌ام. و الان که به صدا و سیما نگاه می‌کنم، می‌بینم که در شعار و آرمان حرف‌های مرا تکرار می‌کند. اما به این نتیجه رسیده‌ام که باید با این آرمان‌گرایی مبارزه کنم. من زمانی می‌خواستم در این جا غرور ملی ایجاد کنم تا تحرک اجتماعی ایجاد شود. خوش‌بختانه شده است، اما راضی‌کننده نیست. ما الان در بوشهر ۵ یا ۶ دانشگاه داریم و چیزی حدود ۲۰ هزار دانشجو، اما شمارگان کتاب در آن بسیار اندک است. در مورد شمارگان یک کار میدانی کرده‌ام و از تمام کتاب‌فروشی‌ها آمار گرفته‌ام. گفته‌ام کتاب‌های درسی نه، کتاب‌های علمی و پایه‌ای چند نسخه می‌آورد؟ به‌طور متوسط بین ۲ تا ۲۰ نسخه می‌آورند. این برای یک شهر با ۲۰ هزار دانشجو فاجعه است.

● **به این نتیجه رسیدیم که شما آموزش و پرورش را تا حدودی دچار مشکل می‌دانید؟**

بهار استان‌ها

بهار را با شور و نشاط آغاز کنیم. فصلی که تحول را نوید می‌دهد. بی‌گمان این فصل فقط به تهران و تهرانی‌ها تعلق ندارد. همه ایران اسلامی سرای ماست. این است که بهار را به استان بوشهر برده‌ایم و خود در هوای لطیف دریایی‌اش غوطه خورده‌ایم. بوشهر فرهنگی دیرینه دارد. فرهنگی که از دریا نشئت می‌گیرد. من به این فرهنگ می‌گویم: فرهنگ دریایی بوشهریان. در این فرهنگ بزرگانی چون سلیمان صیرافی (سیرافی) بوده‌اند که نخستین کشتی‌سازان و کشتی‌رانان دنیا به حساب می‌آیند آن‌ها قبل از مار کوپولو به چین رفته و ضمن کشف آن مبادلات گسترده‌ای با این سرزمین داشته‌اند. دروغگویان مستشرق کشف این سرزمین را به پای امثال مار کوپولو می‌نویسند. اما واقعیت آن است که سیرافی‌ها حتی پیش از فنیقی‌ها کشتی‌های بزرگی می‌ساختند و نخستین کشتی‌سازان عالم‌اند و نخستین کاشفان چین‌اند.

این‌ها را گفتیم تا بدانید که چرا این همه به استان بوشهر پرداخته‌ایم. از ابتدای تابستان ۹۰ به چهار استان رفتیم تا چهره اجتماعی - فرهنگی این استان‌ها را بازنمایی کنیم و بدانیم که ما هویتی دیرینه داریم. از آن زمان که اسلام به سرزمینمان آمد و ایرانی‌ها آن را با جان و روح بلند خود، پذیرا شدند این هویت قوامی جاودانه و الهی یافت. این هویت وقتی به سامان رسید که ناخالصی‌ها را از آن زدود و فرهنگی پویا و آسمانی را به ارمغان آورد.

فرهنگ دریایی بوشهر از این روی مورد توجه قرار گرفت. نکته آنکه این فرهنگ از مردمان بوشهری دریادلانی ساخت که همیشه سرزنده هستند. این سرزندگی و ریزیابی را در همه مطالب بوشهری این شماره می‌بیند. دریا جان و روح بوشهری است. بیاد آوریم دریادلانی را که از بوشهر به میدان‌های دفاع مقدس هشت ساله رفتند و دل‌های همه رزمندگان بزرگ ما را دریایی کردند. دل‌هایی به وسعت همه دریا‌های عالم.

پس مباد که بر ما خرده بگیرد. همه جای این سرزمین پر از فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های غنی است. ما به میان استان‌ها آمده‌ایم تا این غنای اجتماعی را از زبان فرهنگیان عزیز بیاموزیم. در شماره‌های آتی این روند مبارک ادامه خواهد داشت آنچنان که دیدید در شماره‌های گذشته به خراسان رضوی و چهارمحال و بختیاری رفتیم و در تابستان نیز ایلام را بازنمایی خواهیم کرد. ان شاء الله

○ آموزش و پرورش مشکلات زیادی دارد؛ از دبستان تا بعد که این محصول معیوب به دانشگاه می‌رود. دختر من دانشجویست و در رشته کامپیوتر درس می‌خواند. سال دیگر لیسانس می‌شود. یک تعمیر ساده کامپیوتر یا یک برنامه‌نویسی ساده را نمی‌تواند انجام بدهد، اما تا بخواهید تئوری می‌گوید. چرا لیسانس، فوق لیسانس و دکترای ما انواع تئوری‌ها را می‌داند، اما اگر از او بپرسید این کاسب محله چه فانکسیونی (کارکردی) در این محله داشته است، کوچک‌ترین پاسخی نمی‌تواند بدهد.

ما در برخی موارد، در آن چه که غرب سرمایه اجتماعی نامیده است، شاید پسرقت داشته‌ایم. اگر سرمایه اجتماعی را به المان‌های ریزتر تبدیل کنیم، می‌رسیم به گذشت، راستی، کمک به دیگران، مهرورزی و پرهیز از خشونت. ما ایرانی‌ها تا زمانی که سوار ماشین نشده‌ایم، ایرانی هستیم، ولی پامان که روی پدال گاز می‌رود، دیگر ایرانی نیستیم. شما اگر می‌خواهید ایران را بشناسید، نگاه کنید به وضعیت رانندگی. این ماکت کوچک شده‌ای از جامعه ماست. بی‌رحم، بی‌گذشت، پرخشونت، پرفریب... این المان‌ها را در جاهای دیگر هم می‌بینید. من اگر با دیپلم با شما سخن می‌گویم، ارزشی ندارم. اما یک نفر که دکترا دارد یعنی تجمل دکترا را دارد، حرف بزند، می‌گوید آقای دکترا فرمودند.

همه این‌ها نشان از سقوط ارزش‌های اجتماعی و از دست رفتن سرمایه اجتماعی دارد. زمانی افتخار می‌کردید که ایرانی هستید. پرچم در شما احساس غرور ایجاد می‌کرد. آیا دانش‌آموزان ۱۷ یا ۱۸ ساله امروزی برای پرچم احترام قائل است؟ باید تلاش کنیم تا جوانان خود را وطن‌دوست بار بیاوریم تا سرمایه اجتماعی را از دست ندهیم باید قهرمانان ملی و دینی خود را معرفی کنیم.

● به نظر شما چگونه می‌توانیم جامعه‌شناسی ایرانی - اسلامی داشته باشیم؟

○ من بر این باور هستم که ما در حال حاضر، به جای غرب‌ستیزی اول انقلاب، به دوره کلاسیکمان برگشته‌ایم؛ یعنی جامعه‌شناسان ما مرعوب مکتب‌های غربی شده‌اند. من در کتاب «میرمخنا» این جمله را از اسپینوزا آوردم: نه تمسخر، نه ستایش، بلکه فهمیدن، ما مشکل داریم، ما غرب را نمی‌شناسیم. اولاً شناخت ما دست دوم است. چند درصد از متفکرین ما از منابع دست اول استفاده می‌کنند در سترون بودن نظام آموزش و پرورش همین بس که دانش‌آموز بعد از هفت یا هشت سال انگلیسی خواندن در مدرسه، دیپلم که می‌گیرد، هنوز در «ایز و آر» مشکل دارد. یا هفت سال قرآن و عربی درس می‌دهیم، اما دانش‌آموز بعد از دیپلم هیچ بهره‌ای از این دروس نمی‌برد. همان اندازه عربی بلد است که انگلیسی. آیا این مشکل آموزش و پرورش ما نیست؟